حدیث روز

پیامبر صلی الله علیه و آله :یَدْخُلُ الْجَنَّةَ رَجُلانِ کانا یَعْمَلانِ عَمَلاً واحِدا ، فَیَری اَحَدُهُما صاحِبَهُفَوْقَهُ ، فَیَقولُ : یا رَبِّ ، بِما اَعْطَیْتَهُ وَ کانَ عَمَلُنا واحِدا ؟فَیَقولُ اللهُ تَبارَکَ وَ تَعالی : سَأَلَنی وَ لَمْ تَسْأَلْنی ؛
دو نفر که هر دو یکسان عمل کرده‌اند ، وارد بهشت می‌شوند ، امّا یکی از آن دو ،دیگری را برتر از خود می‌بیند . می‌گوید : پروردگارا ! چرا او را برتری دادی ، در حالی کهعمل هر دوی ما یکسان بوده است؟ خداوند ـ تبارک و تعالی ـ می‌فرماید : او از مندرخواست می‌کرد و تو درخواست نمی‌کردی

بهداد سلیمی: ورزشکار بودن سخت‌تر از مجری شدن است

بهداد سلیمی قهرمان وزنه‌برداری کشورمان که مسابقه تلویزیونی «تهمتن» را در شبکه‌ی نسیم اجرا می‌کند، گفت که این حضور در بدو امر کاملا اتفاقی بوده است.

بهداد سلیمی درباره‌ی اجرا و حضورش در مسابقه تلویزیونی اظهار کرد: کاملا اتفاقی در این برنامه حضور پیدا کردم. به همراه دوستانم به پشت صحنه این مسابقه رفتم و بعد که در جریان مسابقه قرار گرفتم، با آقای نصیری، تهیه‌کننده کار صحبت کردیم، ابتدا قرار بود که فقط عنوان کارشناس و داور حضور پیدا کنم اما در نهایت تصمیم گرفته شد که اجرای برنامه را داشته باشم.

وی در ادامه گفت: به نظرم تجربه خیلی خوبی بود. اتفاقات خوبی در حال اجرا برای من رخ داد. دوستان خوبی پیدا کردم و تجربه خوبی بود.

سلیمی درباره‌ی اینکه کار مجری‌گری سخت است یا ورزشکار بودن؟ اظهار کرد: به نظر من ورزشکاری قطعاً خیلی سخت‌تر است. اجرا هم یکسری تمرینات و تمرکزهایی می خواهد که با مطالعه زیاد می‌توانیم داشته باشیم. در این راستا اجرای مسابقه‌های دیگر را تماشا کردم. حتی نحوه‌ی اجرای نسخه اصلی این مسابقه که از آن اقتباس کردیم را مشاهده کردم. از طرفی مطالعه در حوزه ورزش را افزایش دادم، مجری‌گری سختی‌های خودش را دارد اما به نظرم باز هم ورزش کردن سخت‌تر است.

این قهرمان وزنه‌برداری در ادامه درباره حساسیت به اجرا در تلویزیون، نیز اظهار کرد: مسابقه «تهمتن» دو نکته‌ی مهم داشت؛ یکی اینکه ورزشی بود و دیگر اینکه تولیدی ضبط می‌شد و دشواری‌های آن کمتر ما را اذیت می‌کرد. اما اجرای زنده سختی‌های خودش را دارد. به دلیل اینکه کم تجربه هستم تلاش کردیم که اگر خطایی صورت می‌گیرد با تمرین بیشتر کار را پیش ببریم.

سلیمی از چالش‌های ضبط مسابقه «تهمتن» نیز گفت و یادآور شد: زمان بسیار زیادی را در طول روز درگیر مسابقه و ضبط برنامه بودیم. روزها حوالی ساعت ۳ بعد از ظهر تا ۳ بامداد هم برنامه داشتیم. به نظرم بزرگترین چالش من همین زمان آن بود.

وی در ادامه در پاسخ به اینکه مسابقه «تهمتن» تا چه میزان توانسته موفقیت مسابقات ورزشی تلویزیون از جمله «مردان آهنین» را تکرار کند؟ اظهار کرد: سیاست کلی این برنامه به این صورت بوده که جنبه‌های دیگر ورزش و تاثیر همراهی خانواده‌ها در ورزش را نشان دهد؛ اینکه حضور خانواده‌ها در حوزه ورزش چه تاثیر مثبتی بر عملکرد ورزشکاران خواهد داشت. تهمتن سعی کرده ورزشکارانی که کمتر دیده شده اند را نشان دهد و انگیزه آنها برای ورزش کردن را به تصویر بکشد. در اولین سری راستی‌آزمایی که ما داشتیم حدود ۲۰۰ نفر ثبت‌نام کردند اما برای سری چهارم، این تعداد به بیش از ۱۲۰۰ نفر رسید و این برنامه تشویقی برای جوانان محسوب می‌شود. تقریبا از همه شهرهای کشور مختلف شرکت‌کننده داشتیم و افراد در این مسابقه دیده شدند.

بهداد سلیمی در پایان در پاسخ به اینکه آیا مجری‌گری را ادامه می‌دهد؟ اظهار کرد: اگر برای این پروژه باشد، می‌پذیرم ولی اجراهای دیگر را نمی‌توانم و بیشتر برنامه‌های ورزشی که با خصوصیات اخلاقی و شخصیتی من سازگار است را دوست دارم. این مسابقه با شخصیت من دافعه نداشت، مخاطبان و مردم استقبال خوبی داشتند و واکنش‌های خوبی از جانب آنها گرفتیم.

تناقض اطلاع‌رسانی در حادثه متروپل و سوء استفاده کَفتارهای خبری!

در نشست «متروپل؛ از اطلاع‌رسانی بحران تا بحران اطلاع‌رسانی» که صبح دوشنبه ـ ۲۳ خرداد ماه ـ در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد، عنوان شد: علیرغم تدریس دروس ارتباطات بحران در دانشگاه‌ها، وضعیت نشان می‌دهد علاوه بر ارتباطات بحران، خود ارتباطات اطلاع‌رسانی و گزارشگری بحران هم دچار بحران شده است.

نشست تخصصی «متروپل؛ از اطلاع‌رسانی بحران تا بحران اطلاع‌رسانی» با سخنرانی منصور ساعی (عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، محمد رهبری (پژوهشگر رسانه‌های اجتماعی) و حسین حسنی (رئیس پژوهشکده ارتباطات و دبیر نشست) و در غیبت مهدی عرفاتی، دبیر شورای اطلاع رسانی دولت در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد.

گزارشگری و اطلاع‌رسانی بحران خود دچار بحران است!

حسین حسنی در ابتدای این نشست با اشاره بحران‌ها و حوادث گوناگونی که پی در پی کشور، افکار عمومی و رسانه‌ها با آن مواجه می‌شوند، در سخنانی گفت: بحران و رویداد یک نوع اخلال در روند جاری امور تعریف می‌شود و زمانی که حوادثی از جنس متروپل رخ می دهد، طبیعتا افکار عمومی بیشتر به دنبال پی بردن به ماجراست و به دنبال آگاهی و اطلاعات است. اما آن چیزی که ما در جامعه شاهد آن هستیم، این است که علیرغم اینکه حوزه ارتباطات بحران را داریم و درس ارتباطات بحران را در دانشگاه‌ها داریم و افرادی هستند که تدریس و پژوهش می کنند، ولی وضعیت نشان می دهد علاوه بر ارتباطات بحران، خود اطلاع‌رسانی و گزارشگری بحران و اطلاع‌رسانی بحران دچار بحران است.

رئیس پژوهشکده ارتباطات در ادامه اظهار کرد: اگر حادثه اخیر را در نظر بگیرید رویدادهای طبیعی سیاسی می‌شوند و طیفی از رسانه‌های دولتی، خبرگزاری‌ها، روزنامه ها و رسانه های معاند هم وارد عمل می شوند و دلایل و انگیزه‌های متعدد برای پرداختن به ماجرا را دارند. برخی با هدف اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی است و برخی نیز کفتار رسانه‌ها هستند که منتظرند جان هایی از دست برود و خون‌هایی ریخته شود و به دنبال اهداف و مقاصد سیاسی خودشان بگردند؛ بدون اینکه به آلام کسانی که عزیزانشان را از دست داده‌اند، فکر کنند. تناقض‌های اطلاع‌رسانی حادثه متروپل و عملکرد صداوسیما

وی با اشاره به اینکه بحران اخیر کشور (متروپل)، در اطلاع‌رسانی پر از تناقض بود، ادامه داد: در صداوسیما با وجود اینکه تلاش شد تغییراتی در بحث اطلاع‌رسانی صورت بگیرد، فردای حادثه متروپل آقای جبلی مشغول مصاحبه بودند و گفتند که ما شبکه خبر را بسیج کردیم که درباره‌ی ماجرای متروپل اطلاع‌رسانی کند اما نهادهای امنیتی به ما فشار آوردند که یکی دو ساعت اطلاع‌رسانی کفایت می‌کند. حال اینکه این نهادهای امنیتی چه کسانی هستند و چه انگیزه‌هایی دارند بماند، اما کاری کاملا غیرعلمی است. وظیفه‌ی ماست به عنوان خدمتگزار ذهن، افکار عمومی را از آخرین رویدادها مطلع کنیم و این نیاز و عطشی که وجود دارد را پاسخ دهیم. از آن طرف با توسعه کاربرد رسانه‌های اجتماعی، شهروند خبرنگاران و خود خبرنگاران حرفه‌ای مشغول فعالیت هستند، اطلاع‌رسانی می‌کنند و دیده می‌شود که خیلی از اطلاعات ناقص است.

اغلب بحران‌های ما منشاء انسانی دارند

در ادامه نشست منصور ساعی ـ عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ـ گفت: در طول پنج سال گذشته ۹ بحران بزرگ داشتیم. زلزله سر پل ذهاب، تحریم‌های آمریکا، پلاسکو، سقوط هواپیمای اکراینی، کووید ۱۹، متروپل و اخیرا برخورد قطار طبسی و بحران دیگر که به حاشیه رانده می‌شوند. شاید جزو معدود کشورهایی باشیم که بحران‌ها در آن همه با هم به تقاطع رسیدند و این انباشتگی، فرصت برخاستن از یک بحران را از ما می‌گیرد. اینکه زمان داشته باشیم تا به بحران دیگر برسیم و فکر کنیم که چگونه با آنها مواجهه شویم. اغلب بحران‌های ما منشاء انسانی دارد. مساله این است که اگر ما سه ضلع اصلی مدیریت بحران یا پاسخ بحران را بگوییم، حاکمیت است یا حکمرانی، نظام ارتباطی و اطلاع‌رسانی و سوم نظام اجتماعی یا جامعه، به نظر می‌رسد، سهم حاکمیت یعنی حمکرانی و نظام اطلاع‌رسانی و ارتباطی، خیلی مهمتر و بیشتر از ضلع سوم نظام اجتماعی است. به جای کنترل مدیریت بحران به حذف آن فکر می‌کنند!

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی معتقد است: ما بیش از اینکه به سند مدیریت بحران نیاز داشته باشیم به سند ملی ارتباطات و ریسک مسئله نیاز داریم که قبل از بحران را ببینند. حکمرانی ما بحران اندیش است و فقط به بحران می‌اندیشد و برنامه ای ندارد. در برنامه ملی ارتباطات و ریسک، سهم و نقش هر نهاد حکمرانی با تمام زیرمجموعه، ظرفیت‌هایش و سهم رسانه باید مشخص شود.

ما در شرایط وقوع بحران با احتیاط و گزینشی عمل می‌کنیم. گزینشی اطلاعات را انتخاب می کنیم و می‌گوییم جامعه آرام آرام در جریان وسعت بحران قرار بگیرد، چراکه بحران را نپذیرفته‌ایم. کشورهایی که بحران را نمی‌پذیرند، پیامدهای سنگینی باید بدهند. اما کسانی که بحران را می‌پذیرند برنامه مواجهه با آن را هم تنظیم می‌کنند. معمولا در نظام اطلاع‌رسانی ما ابتدا سکوت پیشه می‌کنند و رفتاری از نوع بی‌توجهی، کم توجهی و خنثی دارند و چنین می‌انگارند که با پرداختن بحران آن را بزرگ می‌کنیم و در جامعه به آن اعتبار اجتماعی می‌بخشیم و به این نتیجه می رسند بهترین پاسخ این است که خیلی آن را پوشش ندهیم. در واقع به جای کنترل مدیریت بحران به حذف آن فکر می کنند! بحران حذف شدنی نیست؛ بحرانی که قربانی دارد و از خود روایت‌ها بر جای دارد. هم صداوسیما و هم خیلی از رسانه‌های رسمی ما در اغلب بحران ها به همین شکل بوده و مربوط به این دولت و آن دولت نیست.

روایتی از تباهی و بی‌رحمی در مرمت بناهای تاریخی

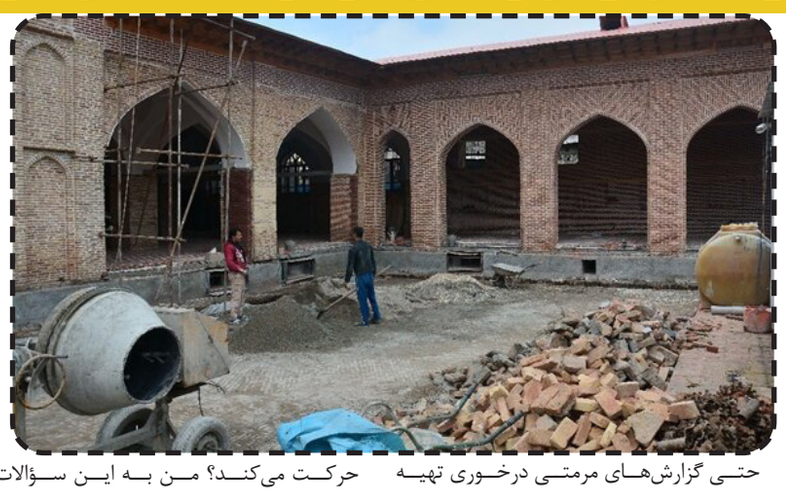

نظر یک کارشناس مرمت بر این است که مرمت در ایران گرفتار چرخه معیوب شده است؛ برای «قلعه پرتغالی‌ها» در جنوب ایران، دیوارهایی از نوع بناهای کوهستانی ساخته‌اند. «مسجد جامع عتیق شیراز» با تعمیرات گسترده و غیراصولی از بین رفته و مخدوش شده است. «خانه طباطبایی‌های کاشان» با نوسازی‌هایی که شده گردشگران را گمراه می‌کند و در خانه خشتی «ملک-التجار» هتل سنگینی بارگذاری کرده‌اند که معلوم نیست آب‌ریزهای آن کجا می‌رود؟

ذات‌الله نیک‌زاد ـ عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و کارشناس مرمت با ارزیابی وضعیت مرمت بناهای تاریخی در ایران، از عواملی که موجب شده‌اند مرمت در چرخه معیوبی گرفتار شود، سخن گفت.

استراتژی مرمت در ایران چیست؟

او در ارزیابی مرمت بناهای تاریخی ایران گفت: ابتدا باید بیندیشیم چه معیارهایی برای ارزیابی وضعیت مرمت وجود دارد، از نظر من با دو معیار می‌توان به ارزیابی مرمت پرداخت، یکی معیار بنیادی و دیگر معیار علمی- فنی است. در حیطه معیار بنیادی باید اندیشید که مرمت در ایران دارای استراتژی است یا خیر؟ به نظر می‌رسد از این نظر مرمت در ایران دچار ضعف است. ابتدا باید تعیین کنیم استراتژی مرمت واقعا چه هست و مرمت به کدام سمت و سو حرکت می‌کند. با توجه به تعداد انبوه آثار تاریخی که در سراسر ایران داریم، مرمت در ایران کار گسترده‌ای به حساب می‌آید.

این کارشناس مرمت افزود: در ذیل استراتژی، مأموریت نخستِ مرمت در درجه اول، این است که منتهی به نجات و شناخت اثر تاریخی شود. در واقع مرمت بنای تاریخی صرفا کار فنی نیست، بلکه با شواهد تاریخی نیز سر و کار دارد و بنای تاریخی شاهدی بر رویدادهای گوناگون دوره‌های تاریخی است. به این صورت که اگر به یک بنای تاریخی برای مرمت کردن دست می‌زنیم، اگر دقیق و عالمانه نظر بیافکنیم، ناشناخته‌های آن بنا باید آشکار شود. آیا مرمت امروز ما بر چنین استراتژی‌ای استوار است؟ آیا مرمت‌های ما منجر به شناخت آثار تاریخی می‌شود؟ برای پاسخ باید این موضوع را از دو منظر بررسی کنیم، ابتدا این‌که یک اثر بعد از مرمت به شناخت ما افزوده و نشانه‌ها و شواهد تاریخی که در بنا وجود دارد آشکار شده باشد. دوم این‌که اسنادی تهیه شده باشد که داشته‌ها و داده‌های متنوعی از بنا را عرضه کند و در نهایت برخی خروجی‌های مطالعاتی مانند کتاب، مقاله و... به ثمر رسد، اما امروز کمتر با این موضوع مواجهیم و اگر به انتشارات حوزه تاریخ و مرمت سر بزنیم، مقاله‌ها و کتاب‌هایی که در حین مرمت و یا بعد از مرمت یک بنا منتشر شده باشند، خیلی کم و انگشت‌شمار هستند و حتی گزارش‌های مرمتی درخوری تهیه نمی‌شود.

نیک‌زاد با بیان این‌که استراتژی بعدی مرمت، بهره‌برداری اصولی و منطقی از یک بنای تاریخی است، اظهار کرد: این استراتژی مسأله خیلی مهمی است. بناهای تاریخی فراوانی در ایران داریم که به هتل‌ها، اقامتگاه‌های بوم‌گردی، رستوران‌ها و ... تبدیل شده‌اند. برخی از این تغییر کاربری‌ها منطقی است، اما برخی دیگر نه! این روزها خانه‌های تاریخ زیادی به هتل تبدیل شده‌اند و برای این تغییر دست‌کاری‌های بسیاری در بنا انجام شده است. در چنین مرمت‌هایی هدف اقتصادی به عنوان هدف اصلی مرمت در نظر گرفته می‌شود. هدف اقتصادی اگر در کنار اهداف دیگر قرار نگیرد، مسأله‌ساز می‌شود.

به گفته این کارشناس مرمت، مسأله دیگری که در امر مرمت باید به عنوان یک استراتژی توجه شود این است که هر ساله پروژه‌های مرمتی باید در کنار کار اجرایی، باعث تقویت بنیه کارشناسی و تخصصی کشور شود.

او در این باره توضیح داد: در کنار پروژه‌های مرمتی باید کارشناس‌ها آموزش ببینند و مرمت‌گران تجربه کسب کنند. یکی از معضلاتی که در حال حاضر با آن مواجهیم کمبود استادکاران ماهری است که دارندگان دانش مرمت به معنای سنتی و تاریخی‌اند و این معضل یکی از بحران‌های مرمت ایران در آینده خواهد بود. تربیت کارشناسان حوزه مرمت به عهده دانشگاه‌ها گذاشته شده است، درحالی‌که دانشگاه‌ها تا حدود زیادی از جامعه اجرایی مرمت جدا هستند و ارتباط آن‌ها با یکدیگر ساختارمند نیست و برخلاف کشورهای دیگر دانشگاه‌ها در پروژه‌های اجرایی مرمت حضور چندانی ندارند.

نیک‌زاد بیان کرد: مباحثی که مطرح کردم «استراتژی مرمت» است و باید این موضوع نقد شود که آیا در ایران استراتژی مرمت به معنای علمی آن تدوین شده است و مرمت در سراسر کشور به این سمت حرکت می‌کند؟ من به این سؤالات نمی‌توانم دقیق و پاسخ بدهم، زیرا نیاز به مستنداتی دارد که با انجام مطالعات به دست می‌آید، اما با توجه به اقدامات اجرایی در امر مرمت می‌توان گفت که یک سردرگمی در استراتژی مرمت در ایران وجود دارد.

او اضافه کرد: میراث فرهنگی هر سال برنامه‌های مرمتی زیادی در سراسر کشور دارد، اما در بسیاری از موارد این پروژه‌ها مستمر نیستند و به صورت منقطع اجرا می‌شوند. در حالی‌که مرمت یک کار مستمر و پی‌درپی است. برنامه‌های مستمر می‌تواند ضمانتی باشد که مرمت بناهای تاریخی به صورت مطلوب پیش رود. همچنین بهره‌برادری از دانش و اصول مرمت باید سرلوحه اقدامات مرمتی قرار گیرد و علوم و دانش‌های مرمتی به‌روز باشند و در پروژه‌های هر سالِ اجرایی مرمت به کار برده شوند. در شمال ایران بسیاری از بناهای تاریخی به جای مرمت از نو ساخته شده‌اند

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به حفظ اصالت بنا در حین مرمت و نقش کلیدی آن اشاره کرد و افزود: هرچند در ایران بر معیارهای علمی ـ فنی مرمت تأکید می‌شود، اما باید در نظر گرفت موضوعاتی هم‌چون حفظ اصالت بنا در معیارهای علمی ـ فنی نقش مهمی دارند. در واقع در اقدامات اجرایی مرمت نباید اصالت بنا از بین رود و حتی مرمت نباید به سمت نوسازی پیش رود. اصالت یک معیار مهم و پایه‌ای برای سنجش مرمت اصولی بناهاست و با دوره‌ها و حیات تاریخی بناها سر و کار دارد. این روزها با بناهای تاریخی‌ایی روبرو می‌شویم که در مرمت به اصالت تاریخی آن‌ها اهمیت داده نشده است، مثلا در شمال ایران (مازنداران) بسیاری از بناهای تاریخی به جای مرمت از نو ساخته شده‌اند. برج مقبره‌های «ناصرالحق» و «شمس آل رسول» بدون توجه به اصالت تاریخی‌شان نوسازی شدند و برج‌های «لاجیم» و «رسکت» بناهای یگانه‌ای هستند که کتیبه‌های پهلوی و کوفی و ارزش‌های بی‌بدیل دیگری دارند، اما در مرمت آن‌ها حساسیت کافی به خرج داده نشده است، در حالی‌که مرمت چنین بناهایی باید با حوصله و صرف زمان زیاد انجام شود.

میزان مداخله مرمت‌گران در حین مرمت بناهای تاریخی از عواملی است که این کارشناس مرمت آن را عامل مهمی برای تعیین مرمت اصولی و علمی دانست.

او در این‌باره گفت: امروز دست گروه‌های مرمتی برای مرمت یک بنا بسیار باز است، در حالی‌که یک مرمت‌گر باید با دست بسته یک بنا را مرمت کند؛ یعنی باید درک کند که هر کدام از مصالح و مواد بنا و جزییات آن تکرار ناشدنی هستند و تا حد امکان نباید تغییر کنند. این در حالی است که خیلی راحت با دست باز بسیاری از دیواره‌ها، آجرها، خشت‌ها و ... برداشته و با عناصر و مصالح جدید جایگزین می‌شوند. یک اصل مهم در مرمت وجود دارد که اگر به درستی درک و رعایت شود، هیچ آسیبی به بنای تاریخی نمی‌رسد، آن هم این است که مرمت باید کم‌ترین مداخله و بیش‌ترین اثرگذاری انجام شود.

این کارشناس مرمت با تاکید بر این که باید در حین مرمت از بازسازی بناهای تاریخی پرهیز کرد، اظهار کرد: امروز روند مرمت بناهای تاریخی به سمت بازسازی آن‌ها پیش می‌رود. بازسازی هم شرایط ویژه‌ای درحوزه مرمت دارد و باید در موارد ضروری از این روش بهره گرفت.

او یکی از راه‌کارهای اصولی شدن مرمت را نقادی کردن آن دانست و گفت: مرمت در ایران به نقد نیاز دارد و این کار می‌تواند مرمت را به سمت اصولی شدن پیش ببرد. سال‌ها پیش این مسأله کلید خورد و پیرو آن یکسری نشست‌ها و همایش‌های نقد مرمت در ایران برگزار شد. در این نشست‌ها صاحبان نظران درباره نقاط قوت و ضعف مرمت یک اثر تاریخی بحث می‌کردند. نقد یکی از پایه‌های مرمت را تشکیل می‌دهد و در حین مرمت بنا نیز باید نقد و ارزیابی اصولی انجام شود تا مرمت بازیابی و کامل شود. نیک‌زاد ادامه داد: اگر مرمت به راهی که در آن قرار گرفته است، ادامه دهد به مخدوش کردن آثار تاریخی منجر می‌شود و برعکسِ هدف خود پیش می‌رود. حفاظت و مرمت یک واژه کلی است که هر کسی ممکن است تعبیری از آن داشته باشد. مرمت نباید موجب تغییر هویت یک بنا شود. ما یکسری بنای تاریخی همچون «مسجد شیخ لطف‌الله» داریم که یک اتفاق در معماری ایران محسوب می‌شوند و باید با حساسیت زیاد درباره آن‌ها تصمیم گرفته شود، نه این‌که تصمیمات شخصی افراد در مرمت بناهای تاریخی دخیل شود. کمیته‌ها و شوراهای فنی برای این است که با روش-های مشورتی، سلایق شخصی به کم‌ترین میزان خود برسد.

دبیر پژوهش روزنامه سراج
حجت الاسلام استاد مجتبی خندان
موضوع : عصمت امام زمان از منظر آیات قرآن کریم قسمت دوم
منشأ عصمت
۱) لطف الهی
علامه حلی چهار سبب را منشا این لطف الهی دانسته که مجموع آنها موجب پیدایش عصمت دانسته‌اند:
۱.شخص معصوم از نظر روحی یا جسمی دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی خاصی است که باعث می‌شود در او ملکه اجتناب از گناه به وجود آید.
۲.برای شخص معصوم، آگاهی به عواقب ناگوار گناهان و ارزش اطاعت از خدای متعال حاصل می‌شود.
۳.این آگاهی با نزول پی در پی وحی و یا الهام، ژرف و گسترده‌تر می‌گردد.
۴.شخص معصوم نه تنها بر واجبات، بلکه بر ترک اولی نیز مؤاخذه می‌شود، به‌طوری که حس می‌کند هیچ گونه اغماض و اهمالی در مورد او وجود ندارد. (حلی، کشف المراد، ۱۴۱۳ق، ص۴۹۴.)
ملاصدرای شیرازی عصمت پیامبران را موهبتی الهی دانسته که خداوند به بندگان مخلص خود می‌دهد و به واسطه آن قوه وهم که پاسخ دهنده به شیطان است و هیچ گاه عقل نوع انسان نمی‌تواند بر آن غالب گردد، به تسخیر قوه عقل درمی‌آید. (ملا صدرا، تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۱ش، ج۵، ص۲۲۴.)
اشاعره که آفرینش تمامی افعال آدمی را بدون واسطه به خداوند نسبت می‌دهند، درباره عصمت پیامبران اختلافاتی دارند؛ برخی از آنها معتقدند خداوند اعمال زشت و قبیح را برای انبیا ایجاد نکرده و از همین رو آنان معصوم‌اند (ایجی، المواقف، بیروت، ص۳۶۶.) و عده‌ای دیگر معتقدند خداوند فقط قدرت طاعت را برای معصومان خلق کرده و بر این اساس آنها توانایی انجام گناه ندارند.(تفتازانی، شرح المقاصد، ۱۴۰۹ق، ج۴، ص۳۱۲.)
۲) ملکه درونی
سید مرتضی در نظر دیگری مقام عصمت را ملکه و ویژگی درونی‌ای توصیف کرده که قدرت بر انجام گناه را سلب نمی‌کند اما در عین حال پیامبران به هیچ وجه دست به ارتکاب گناه نمی‌زنند. شیخ طوسی و ابن میثم بحرانی هم عصمت را ملکه و قدرتی درونی برای پیامبران می‌دانند. (سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص۱۹؛طوسی، تلخیص المحصل، ۱۹۸۵م، ص۳۶۹؛ بحرانی، النجاة فی القیامة، ۱۴۱۷ق، ص۵۵.)
۳) علم و آگاهی از نتیجه گناه
علامه طباطبایی منشأ عصمت را قوه و توانایی‌ای می‌داند که صدور گناه از معصوم را ناممکن می‌سازد. وی این قوه را همان علم راسخ و زوال‌ناپذیر درباره طاعت و گناه تعبیر کرده که اولا قابل تعلیم نیست و ثانیاً مغلوب شهوت‌ها نمی‌شود. (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ق، ج۱۷، ص۲۹۱؛ ج۵، ص۷۹.)
برخی نیز معتقدند که منشأ و خاستگاه عصمت، این است که انسان‌های معصوم نسبت به باطن گناهان و آثار و عواقب شوم آن و پیامدهای خوشایند کارهای خوب، علم حضوری دارند به طوری که گویا آن را می‌بینند لذا هیچ‌گاه قصد نمی‌کنند که معصیتی را انجام دهند. (ری شهری، فلسفه وحی و نبوت، ۱۳۶۳ش، ص۲۱۰.)
۴) اراده و انتخاب
نظریه دیگر در باب منشأ عصمت، این است که عصمت همان ملکه تقوا است که در اثر تکرار اعمال خیر و دوری از گناهان برای انسان حاصل می‌شود، البته شدت این ملکه در عصمت بسی بیشتر از تقواست. تکرار کردن اعمال خیر نیازمند اراده و انتخاب است، در نتیجه عامل اصلی عصمت به اراده و انتخاب انسان معصوم برمی‌گردد. این نظریه حتی علم کامل به حقایق هستی و زشتی گناهان را در نتیجه همین اراده نیرومند معصومین می‌داند. (ری شهری، فلسفه وحی و نبوت، ۱۳۶۳ش، ص۲۱۵.)
ناصر مکارم شیرازی نیز در تفسیر آیه ۳۳ سوره احزاب، مقام عصمت را یک حالت تقوای الهی می‌داند که به امداد پروردگار در پیامبران و امامان ایجاد شده و با وجود این حالت چنان نیست که آنها نتوانند گناه کنند، بلکه قدرت این کار را دارند و با اختیار خود از گناه چشم می‌پوشند. وی اعطای این موهبت الهی به معصومان را به خاطر مسئولیت سنگین رهبری جامعه دانسته است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ش، ج۱۷، ص۳۰۵.)
عصمت امام زمان از منظر آیات قرآن کریم
قسمت : دوم
۱) علم و اراده
برخی از اندیشمندان اسلامی راز عصمت معصومین را در دو عنصر علم به حقایق و کمالات و اراده نیرومند در رسیدن به آنها می‌دانند، زیرا که انسان در صورت جهل، کمال حقیقی را نخواهد شناخت و کمال خیالی را به جای کمال حقیقی قرار خواهد داد و در صورت نداشتن اراده لازم، محکوم هواهای نفسانی خویش شده و به هدف مطلوب نخواهد رسید. (مصباح یزدی، راه و راهنما شناسی، ۱۳۹۵ش، ص۳۰۲.)
۲)مجموع عوامل طبیعی، انسانی و الهی
برخی از محققان معاصر بر این باورند که عصمت، معلول عامل واحدی نیست بلکه معلول عوامل طبیعی(یعنی: وراثت، محیط و خانواده)، انسانی(یعنی: شعور و آگاهی، اراده و انتخاب، عقل و ملکه نفسانی) و لطف و موهبت خاص خداوند است.(قدردان قراملکی، کلام فلسفی، ص ۳۸۸-۳۹۰.)